



● ناصر تقی زاده سروستانی

مدیر دوره متوسطه دوم  
شهیدای فرهنگیان سروستان،  
استان فارس

اسمش را هرچه بگذاریم، باز اولیا با آن کنار نمی آیند. مشارکت مردمی، شهریه، کمک داوطلبانه اولیا یا هر چیز دیگری. اما مدیر مدرسه، به جز در برخی مدرسه‌های خاص، به شدت نیازمند آن است و بدون جلب آن کمیت مدرسه‌اش لنگ می‌زند.

پس از ۱۶ سال تجربه مدیریت در دوره متوسطه دوم، هنوز یکی از دغدغه‌های اصلی خودم و اغلب همکارانم را جلب مشارکت داوطلبانه اولیا می‌دانم. طبق نص صریح قانون اساسی (اصل سی ام) «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

این قانون مرتقی که با هدف برقراری عدالت آموزشی و اجتماعی و گسترش عادلانه علم و دانش تدوین و ابلاغ شده، در عمل به یکی از چالش‌های دولت، مردم و مدرسه‌ها مبدل شده است. در مدرسه‌های مناطق محروم و کمتر برخوردار، اولیا با استناد به این قانون و تکرار مکرر آن در فصل ثبت‌نام مدرسه‌ها توسط رسانه‌ها، از مشارکت طفره می‌روند، در حالی که اتفاقاً مدیران به شدت نیازمند این مشارکت‌اند؛ و جوهی که هزینه آب و برق و گاز و تلفن و خرید مایحتاج آموزش و پرورش و اداری و بهداشتی و سرویس دستگاه‌های الکترونیکی با آن انجام می‌شود، چه بسیارند مدیران مدرسه‌هایی که در تأمین هزینه‌های اولیه و جاری مدرسه خود مانده‌اند! آیا چنین مدرسه‌هایی می‌توانند به فکر بهرهوری و ارتقای فرایندهای آموزشی و تربیتی مدرسه باشند؟

همه‌ساله در فصل ثبت‌نام بارها اعلام می‌شود که «اخذ هرگونه وجهی در هنگام ثبت‌نام ممنوع است و با متخلفان برابر مقررات رفتار خواهد شد. مشارکت فقط پس از مهرماه و به‌صورت داوطلبانه مجوز دارد.» اما پس از شروع سال تحصیلی، دریافت کمک‌های مالی سخت‌تر و در بسیاری موارد ناممکن خواهد بود و همه‌ساله بسیاری از همکاران با جمع‌آوری مشارکت اولیا

برای تأمین هزینه‌های مدرسه، با توبیخ و تذکر مواجه می‌شوند و این چرخه معیوب تکرار می‌شود.

برخی دانش‌آموزان ضعیف یا تحت پوشش نهادهای حمایتی، نه تنها مبلغی به مدرسه کمک نمی‌کنند، بلکه لازم است در برخی موارد از حمایت‌های مالی مدرسه نیز بهره‌مند شوند. وزارت

آموزش و پرورش نیز هیچ‌وقت نتوانسته است هزینه‌های موردنیاز مدرسه را به‌طور کامل و در قالب سرانه دانش‌آموزی به حساب مدرسه‌ها واریز کند. حال مدیر مدرسه می‌ماند و مشکلات مالی همیشگی، کمک‌نگردن بسیاری از اولیا و تأمین مالی نشدن مدرسه از طرف وزارت‌خانه و اداره‌های آموزش و پرورش. برخی از اولیا که وضع مالی بهتری دارند، کمک بیشتری به مدرسه می‌کنند، اما متأسفانه در پاره‌ای موارد این قبیل اولیا توقعات خاصی از مدرسه دارند و اندکی از مدیران هم به فرزندان اولیای متمول نگاه ویژه‌تری دارند و عدالت و مساوات مدیر و کارکنان مدرسه به چالش کشیده می‌شود.

برای حل این مشکل، بنده همه‌ساله سعی می‌کنم اولیا را با ضرورت، اهمیت و ارزش مشارکت داوطلبانه آن‌ها آشنا کنم، مشکلات مالی مدرسه را برایشان بازگو کنم، نمایندگان اولیا را در جلسات انجمن درگیر جلب مشارکت و مبلغ آن را در جلسه انجمن تعیین کنم. همچنین، به‌هیچ‌وجه از همه دانش‌آموزان به میزان مساوی مشارکت نگیرم، مشارکت‌ها را به‌صورت قسطی از اولیا بگیرم، صورت هزینه‌های مدرسه را برایشان بازگو کنم، از خیرین محلی و منطقه‌ای بهره بگیرم و در هزینه‌های مدرسه تا حد امکان صرفه‌جویی کنم.

ای کاش روزی فرا می‌رسید که دولت تمام نیازهای مالی و تجهیزاتی و تعمیراتی مدرسه‌ها را تأمین می‌کرد تا مشکلات مرتفع شوند و در برخی مدرسه‌ها فرزندان اولیای ضعیف‌تر خدای ناکرده جلوی دوستان خود شرمند و سرافکننده نباشند و وقت و توان مدیر و کارکنان مدرسه بیشتر صرف مسائل آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان شود.